

بررسی وضعیت اجتماعی و فرهنگی زن بختیاری در دوره قاجار

براساس اشعار عامیانه

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲۵)

ابراهیم ظاهری عبدوند^۱

روح‌الله کریمی نورالدین‌وند^۲

چکیده

برای پی بردن به وضعیت اجتماعی و فرهنگی زنان در اقوام ایرانی و در دوره‌های مختلف تاریخی، اشعار عامیانه، از مهم‌ترین اسناد به شمار می‌آیند. بویژه اینکه زنان، خود در آفرینش بسیاری از گونه‌های شعری عامیانه نقش داشته‌اند و این امر، سبب شده است تا آنان، اطلاعات ارزشمندی را دربارهٔ مسائل اجتماعی و فرهنگی خود، در اشعارشان بازتاب دهند. بر این اساس در پژوهش حاضر، سعی شده است با روش اسنادی و رویکرد توصیفی تحلیلی، مسائل اجتماعی و فرهنگی زنان بختیاری در دوره قاجار، بر اساس اشعار بازمانده از این دوره، بررسی، تحلیل و نشان داده شود. بر اساس یافته‌ها و نتایج پژوهش، متأثر از مسائل فرهنگی و اجتماعی قوم بختیاری، در دوره قاجار، زبان بیان هیجان در زنان این قوم، بویژه در سوگواری‌ها، رقص چوبی، بوییدن خون فرد کشته شده و بستن دستمال سیاه بر پیشانی بوده است. از نظر فرهنگ عشق‌ورزی، زنان در نقش عاشق، بیشتر به حمایت عاطفی از معشوق می‌پرداختند و در نقش معشوق، از اشتیاق عاشق به آنان سخن گفته می‌شد. از نظر نام‌شناسی نیز برای زنان از نام‌هایی با هویت ایرانی - اسلامی استفاده می‌شد که اغلب برگرفته از عناصر طبیعت بود. همچنین پوشاک و زیورآلاتی مانند کیش لاکیش، کزینه و گردری، نشان‌دهندهٔ منزلت اجتماعی زنان بود. با وجود تفکیک جنسیتی، نگرش به کارهای زنان مانند هنر بافندگی و ریسندگی، مثبت و مهم‌ترین دغدغهٔ زنان، ازدواج در سنین پایین و به شیوه برون‌همسری بود.

کلیدواژه‌ها: دوره قاجار، شعر عامیانه، زنان بختیاری، وضعیت اجتماعی و فرهنگی

۱. استادیار دانشگاه و پژوهشکده بختیاری‌شناسی دانشگاه شهرکرد، (نویسندهٔ مسئول). رایانامه: zaheri@sku.ac.ir

۲. دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور تهران. رایانامه: rohalla_karimi@yahoo.com

۱. مقدمه

در جوامع ایلیاتی و قومی، زنان نقش مهمی در زندگی روزمره بر عهده داشتند؛ به گونه‌ای که بدون پشتوانهٔ آنان، کاری از مردان ساخته نبود. «بحث مربوط به موقعیت زنان ایلات، با توجه به نقش فعال‌شان در همهٔ عرصه‌های زندگی ایلی، یکی از مباحث مهم تاریخ اجتماعی است؛ تا آنجا که اگر خوانین و مردان ایل، در مصدر امور بوده و حتی در نقش مهره‌های شطرنج در صحنهٔ بازی‌های سیاسی و کشمکش‌های داخلی، نقش مؤثری ایفا کرده‌اند، به پشتیبانی زنانی بوده است که در نبودشان، به رتق و فتق امور ایل پرداخته‌اند» (ربانی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۴). به منظور شناخت این نقش مهم زنان و نحوه نگرش به آنان، بویژه در دوره‌های گذشته و در میان اقوامی مانند بختیاری که منابع محدودی در اختیار است، اشعار عامیانه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند؛ زیرا بسیاری از ابیات موجود در فرهنگ بختیاری را یا خود زنان سروده و به مناسبت‌های مختلف خوانده‌اند؛ (مانند لالایی‌ها، اشعار مربوط به عروسی، سوگ سروده‌ها، اشعار کار دوغ‌زنی و قالی‌بافی که در آنها دغدغه‌ها، خواسته‌ها و باید و نبایدهای زندگی فردی و اجتماعی خود را بازتاب داده‌اند) و یا مردان، سرایندهٔ آنها بوده‌اند و در اشعاری مانند بلال‌ها و برزگری‌ها، به توصیف زنان در نقش معشوق، همسر، مادر و غیره پرداخته‌اند و به این ترتیب، نگرش خود را دربارهٔ آنان بیان کرده‌اند. «زنان در بیشتر ترانه‌های بختیاری، سازنده و سرایندهٔ این نوع ادبی هستند و در گونه‌هایی از ترانه هم که سرودهٔ مردان است، نقش بارز و کلیدی دارند؛ به گونه‌ای که یا حافظ، نگهدارنده و ترویج‌دهندهٔ این ترانه‌ها هستند، یا ترانه‌ها (مانند ترانه‌های عاشقانه) در وصف خود آنان سروده شده است که در این صورت، در لابه‌لای واژگان ترانه‌ها نیز دارای جایگاه و نقش مشخص و قابل توجه هستند» (قادری و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۲). بنابراین و بر مبنای این اشعار، می‌توان به مسائل زندگی زنان در فرهنگ بختیاری، هم از نگاه خود آنان و هم از نگاه مردان دست یافت. هدف از پژوهش حاضر نیز بررسی مسائل اجتماعی و فرهنگی زن بختیاری در دورهٔ قاجار، بر اساس اشعار عامیانهٔ بازمانده از این دوره (۱۶۰۰ بیت عامیانه از گونه‌های مختلف شعری در

بررسی وضعیت اجتماعی و فرهنگی زن بختیاری در دوره قاجار ❖ ۹۱

فرهنگ بختیاری که پژوهشگران غربی، لوریمر و ژوکوفسکی، در دوره قاجار جمع‌آوری و ثبت کرده بودند) و بر مبنای روش اسنادی بوده است تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که در دوره قاجار، عشق‌ورزی زنان بختیاری و زبان بیان هیجان غم آنان چگونه بوده است؟ از چه نام‌هایی برای زنان بختیاری استفاده می‌شده است و با بررسی کارکردهای اجتماعی نام‌ها، به چه اطلاعاتی درباره آنان می‌توان دست یافت؟ زنان بختیاری از چه پوشاک و زیورآلاتی استفاده می‌کرده‌اند و کارکرد این نوع پوشش‌ها چه بوده است؟ زنان عهده‌دار انجام چه کارهایی بودند و چه نگرشی به کارهای آنان وجود داشت؟ مهم‌ترین دغدغه‌های خانوادگی زنان بختیاری چه بوده است؟

۲. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی درباره جایگاه زنان بختیاری در دوره قاجار، بر اساس اشعار عامیانه صورت نگرفته؛ اما در برخی از پژوهش‌ها، به جنبه‌های مختلف زندگی زنان بختیاری بر اساس گونه‌های ادب عامیانه پرداخته شده است؛ چنان‌که در مقاله «تصاویر و توصیفات پیکر معشوق در اشعار عامیانه بختیاری» نویسندگان، به بررسی تصاویر و توصیفات پیکر معشوق در اشعار عامیانه بختیاری و مقایسه آنها با تصویر معشوق در شعر فارسی پرداخته‌اند (ظاهری و کریمی، ۱۳۹۸: ۱۰۱). نتیجه مقاله «بررسی بازتاب منزلت اجتماعی زنان بختیاری از طریق پوشاک در اشعار محلی» این است که زنان بختیاری، از طریق پوشش‌های زیبا و گرانبه، برای خود منزلت اجتماعی کسب می‌کنند (ظاهری عبده‌وند و کریمی نورالدین‌وند، ۱۳۹۹: ۶۵). نویسندگان مقاله «تأثیر جنسیت بر اشعار عامه بختیاری»، با بررسی صفت‌ها و اعمال زنان در مقایسه با مردان، به این نتیجه رسیده‌اند که در فرهنگ بختیاری، نابرابری جنسی از نوع عطف‌آمیز آن وجود دارد؛ به این معنی که ضمن نگرش مثبت به زنان، برای صفت‌ها و اعمال آنان در مقایسه با مردان، ارزش کمتری قائل می‌شوند (رضایی و ظاهری عبده‌وند، ۱۳۹۴: ۶۸). نتایج مقاله «تصویر زن در قصه‌های عامیانه فرهنگ بختیاری»، نشان می‌دهد که در این فرهنگ، اندیشه‌های

۹۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

مردسالارانه بر همه جنبه‌های زندگی غلبه دارد و زنان چنین اندیشه‌های مردسالاری را در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی پذیرفته‌اند؛ اما در زمینه اجتماعی و فرهنگی، به مبارزه با چنین اندیشه‌هایی پرداخته‌اند (رضایی و ظاهری عبدوند، ۱۳۹۲: ۲۵۷). در مقاله «نقش و جایگاه زنان در ترانه‌های بختیاری»، نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که زنان بختیاری، در بسیاری از موارد، خود، سازنده و سراینده ترانه‌ها هستند و این ترانه‌ها را از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهند (قادری و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۲). دو مقاله درباره نقش و جایگاه زن بختیاری در دوره قاجار بر اساس سفرنامه‌های سیاحان اروپایی نوشته شده است: یکی مقاله «نقش و جایگاه زن در ایل بختیاری در دوره قاجار از دیدگاه سیاحان اروپایی (۱۲۱۰ تا ۱۳۴۴ ق/۱۷۹۶ تا ۱۹۲۵ م)» و دیگری «بازتاب زندگی اجتماعی و فرهنگی زنان ایل بختیاری بر اساس آثار سفرنامه‌نویسان خارجی دوره قاجار». موضوع مقاله اول، عبارت از بررسی جایگاه اجتماعی (پوشش، آرایش، وضعیت تحصیلی و چندمسرگزینی)، سیاسی و اقتصادی زن در ایل بختیاری و بازتاب سیمای زنان شاخص در گزارش سیاحان است. (کجباف و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۰-۴۲). در مقاله دوم نیز نویسندگان به بررسی جایگاه و منزلت زنان بختیاری پس از دوران مشروطه، نفوذ و اختیارات زنان خوانین، ازدواج و آداب و رسوم آن در دوره قاجار، نظام تعدد زوجات، وضعیت سوادآموزی و حجاب و عفاف زنان بختیاری در دوره مشروطه، زیورآلات، اعتقادات و باورهای آنان در این دوره پرداخته‌اند. (ربانی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۷-۶۴)

۳. بحث و بررسی

۳-۱. تأثیر فرهنگ بختیاری بر بیان هیجان اندوه به شکلی زنانه در دوره قاجار

برخی از آثار و نمودهای خارجی هیجان، به فرهنگ و اجتماعی که فرد در آن زندگی می‌کند، وابسته است. این امر سبب می‌شود که زبان بیان هیجان، از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت باشد. نمونه این هیجان‌ها، شیوه نشان دادن هیجان اندوه و غم بویژه هنگام سوگ است (کلاینبرگ، ۱۳۸۶: ۲۲۱). از جمله اطلاعاتی که از طریق اشعار مورد بررسی نیز می‌توان درباره زنان بختیاری به دست آورد، آشنایی با شیوه‌های بیان

بررسی وضعیت اجتماعی و فرهنگی زن بختیاری در دوره قاجار ❖ ۹۲

اندوه از سوی آنان در دوره قاجار است. «در این دوره، زنان بختیاری برای نشان دادن اندوه ناشی از مرگ افراد، علاوه بر خراشیدن صورت و پوشیدن لباس سیاه، رقص چوبی اجرا می‌کردند. شکل اجرای این رقص، بدین گونه بود که زنان همراه ساز چپ (ساز عزا)، به سمت چپ می‌رقصیدند» (عکاشه، ۱۳۶۵: ۷۱۸). سفرنامه نویسان به رایج بودن این رسم در فرهنگ بختیاری در دوره قاجار اشاره کرده‌اند: «عده‌ای زن در حال رقص چوبی بودند» (راولینسون، ۱۳۶۲: ۶۳). در اشعار مورد بررسی نیز اشاره شده است که زنان، برای نشان دادن اندوه خود، به رقص چوبی می‌پرداختند و گاهی هنگام اجرای رقص، دم بریده‌ی اسبی را که متعلق به شخص متوفی بود، به دست می‌گرفتند:

دوم ای چوبی بگر بیو من ایوون نمردم و درد خش سر سلیمون

(شفقی و دادرس، ۱۳۹۶: ۲۲۹)

خواهرم چوبی برقص و داخل ایوان خانه بیا به درد خوبی در منطقه سلیمان نمرده‌ام

دین جلفمه بورین چندی درازه ور دست نازی بدین ترکی بوازه

(همان: ۲۵۹)

دم اسبم (جلفه) را ببرید چقدر دراز است آن را به دست نازی بدهید تا رقص ترکی با آن انجام بدهد

- dadum ay čupi beger biyaw mene aywun / namordom ve darde xaš sare solaymun//

- dine jelfome beworin čandi derâze / wor daste nâzi bedin torki bewâze

از دیگر شیوه‌های بیان اندوه در مرگ عزیزان، این بود که زنان از بناگوش، موهای خود را می‌بریدند. گفتنی است که علاوه بر موی زنان، دم اسب فرد متوفی نیز بریده می‌شد:

نازی ای دست به حنا، دسدت و دستم پل خته سیم برای وا دینی اسپم

(همان: ۲۵۸)

ای نازی حنا به دست گذاشته دسدت به دستم باشد موهایت و دم اسبم را برای من

ببری

- ay nâzi dast be hanâ, dasdet ve dastom / pale xote sim borây wâ dine
aspom

نشانه دیگر بیان خشم و اندوه ناشی از مرگ عزیزان این بود که زنان، از خون
شخص کشته شده، بر زبان خود می‌زدند یا آن را می‌بوییدند:

ماسلطنون چند اخری ز کف خینم دشمنون شادی کنن ور اسپ و زینم
(همان: ۲۴۱)

ماه‌سلطان چقدر از کف خونم می‌خوری دشمنان به اسب و زینم شادی می‌کنند
- mâseltun čandi exori ze kafe xinom / dešmenun šâdi konen wor asp o
zinom

علاوه بر این، چه در مرگ عزیزان و چه در مواقع دیگر، برای نشان دادن اندوه،
دستمالی سیاه بر پیشانی خود می‌بستند:

تیگ اسپید دسمال سیاه هی به غمونه همت‌دار مهدی صحاو زمونه
(همان: ۲۵۸)

پیشانی سپید دسمال سیاه، همواره غمگین است منتظر مهدی صاحب زمان است
tig espid, dasmâl siyâ hay be qamune / hematdâr mahdi sahâw zamune

همچنین زنان به نشانه عزا و بیان اندوه، روسری‌های‌شان را به گردن‌شان می‌انداختند:

دو کلا به آسمو خدا خداسه کانی گل، ماه به گل، دسمال به ناسه
(لوریمر، ۱۹۵۴: ۵۴۸)

دو کلاغ در آسمان خدا خدا می‌کنند کانی گل و ماه به گل، دسمال به گردن
انداخته‌اند

- do kelâ be âsemov xodâ xodâse / kâni gol o mâh be gol dasmâl be nâse
گفتنی است در مرگ زنان نیز دیگر زنان به نشانه عزا و اندوه، گوشه مینایش را
می‌بستند و از لباس او تا سالگرد فوتش، استفاده نمی‌کردند:

دوگونم ای همه‌تون بگردین مینامه بجورین گیلس بوندین
(همان: ۲۸۷)

ای خواهرانم، همه جست‌وجو کنید مینایم را پیدا کند و حاشیه‌اش را ببندید.

۹۵ ❖ بررسی وضعیت اجتماعی و فرهنگی زن بختیاری در دوره قاجار

خارم و مارم ای، کنین حلالم کیشم و کس مدین تا وهد سالم
(همان: ۲۸۸)

ای خواهر و مادرم! مرا حلال کنید روسری‌ام را به کسی ندهید تا سالروز مرگ
من

- *dadegunom ay hametun begardin / maynâme bejurin, gilese bowandin.*
- *xârom ay wo mârom ay konin helâlom / kišome ve madin tâ vahde sâlom*

۲-۳. تأثیر فرهنگ بختیاری بر بیان هیجان عشق به شکلی زنانه در اشعار

بازمانده از دوره قاجار

هر فرهنگی می‌کوشد با توجه به زیبایی‌شناسی خود، عشق را تعریف و شیوه‌های عشق‌ورزی را ترویج کند. در واقع، عشق تاریخ دارد و تجربه عشق؛ اینکه عشق‌ورزیدن و معشوق بودن چگونه چیزی است، به ویژگی‌های فرهنگ و فرد وابسته است (نامورمطلق، ۱۳۹۷: ۲۹؛ آرمسترانگ، ۱۳۹۳: ۳۴). بر این اساس، می‌توان گفت عشق، پدیده‌ای فرهنگی و نگرش به آن، از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است. از جمله مسائل مربوط به عشق که باورهای فرهنگی بر آن بسیار تأثیر گذاشته‌اند، مسئله عشق‌ورزی زنان است. در برخی از فرهنگ‌ها، زنان تنها در نقش معشوق ظاهر می‌شوند؛ اما در فرهنگ‌های دیگر، پذیرفته شده است که زنان عشق‌ورزی کنند و از عشق خود سخن بگویند. بر اساس اشعار مورد بررسی، می‌توان گفت فرهنگ بختیاری در دوره قاجار، از جمله فرهنگ‌هایی بوده که اجازه می‌داده است زنان، عاشق شوند و این عشق خود را در قالب اشعار و ترانه‌ها بیان کنند. در این اشعار، زن هم در جایگاه عاشق است و هم در جایگاه معشوق. در جایگاه عاشق، از علاقه و احساس خود به معشوق مرد سخن می‌گوید و روایتگر دغدغه‌های احساسی و عاطفی خود است که شنیدن صدای عاشقانه او، نشان از میزان آزادی‌اش در فرهنگ بختیاری در این دوره دارد؛ اما در جایگاه معشوق، از ویژگی‌های جسمانی‌اش، شور و اشتیاق عاشق به وی و تعهد و میزان صمیمیت بین او و عاشق سخن گفته می‌شود.

۹۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

بر اساس اشعار مورد بررسی، می‌توان گفت که در فرهنگ بختیاری در دوره قاجار، زن عاشق، بیشتر به بعد صمیمیت از ابعاد عشق توجه داشته است. استرنبرگ برای صمیمیت، شاخص‌هایی را برشمرده است؛ مانند روابط خوشایند و صمیمی بین عاشق و معشوق و حمایت عاطفی از همدیگر، دادن هر چیز در راه معشوق، به فکر راحتی معشوق بودن، داشتن رابطه گرم و میل به افزایش رفاه معشوق (استرنبرگ، ۱۹۸۶: ۱۳۵-۱۱۹). در این اشعار نیز زن عاشق، به حمایت عاطفی از معشوق می‌پردازد و برای رفاه او هر کاری انجام می‌دهد؛ چنان‌که در ترانه زیر، از اینکه معشوقش در گرمسیر، به کار درو می‌پردازد و آب سرد در اختیار ندارد، اظهار نگرانی می‌کند و متعهد می‌شود که خود از آب سرد بیلاق ننوشد تا معشوقش بازگردد. این موضوع، حمایت عاطفی زن را، از معشوق نشان می‌دهد و بیانگر مسئولیت‌پذیری وی در جایگاه عاشق در رابطه عاشقانه است:

زر مارم با برف دین دستم ن اخورم، دست نی‌نهم، عهد وا تو بستم
(وهمن و آساتریان، ۱۹۹۵: ۳۸)
برف نزدیک دست من، زهر مار من بشود نمی‌خورم، دست نمی‌گذارم، عهد با تو
بسته‌ام

- zare mârom bâ brfe dine dastom / na exorom, dast ninehom, ahd wâ to
bastom

زن عاشق، بر آن است که زیورآلات خود را بفروشد تا معشوقش در گرمای گرمسیر برای کار درو نماند و به این ترتیب، میل خود را برای افزایش رفاه معشوق بیان می‌کند:

انگشتر ز دست ایکنم و پیچک از پا ادمس کر جاهلی ممهن به گرما
(شفقی و دادرس، ۱۳۹۶: ۲۱۸)
انگشتر را از دست و پیچک را از پا درمی‌آورم به جوانی می‌دهم تا در گرما نمانی
- angoštar ze dast ikanom o pičak ez pâ / edomes kor jâheli mamahn be
garmâ

بررسی وضعیت اجتماعی و فرهنگی زن بختیاری در دوره قاجار ❖ ۹۷

راه دیگر برای رفاه معشوق، این است که زن از پوشش خود برای او سایبان درست کند تا از گرما آسیب نبیند:

ار گرمات گرمه بیو به خودم گو سه لوم دولو کنم سا ور سرت بو

(همان)

اگر هوا خیلی گرم است بیا به خودم بگو روسری خود را باز می‌کنم تا سایبان سرت بشود

- ar garmât garme, biyaw be xodom go / se lume dulâ konom, sâ wor saret bu

البته همواره در انتظار بازگشت اوست:

یا بگو یاهم یا بگو نیاهم کور اوید تی‌هام، چندی رهت پاهم

(همان)

یا بگو می‌آیم یا بگو نمی‌آیم چشم‌هایم کور شد تا چند راه را نگام کنم

- yâ bogo yâhom, yâ bogo niyâhom / kur ovayd tehâm čandi rahet pâyom

اما در جایگاه معشوق، مرد عاشق، بیشتر به ویژگی‌های جسمانی زن توجه نشان داده و از جذابیت‌های جنسی‌اش سخن گفته است؛ از این رو، می‌توان گفت که مرد عاشق در دوره قاجار در فرهنگ بختیاری، بیشتر به بعد شور و اشتیاق از ابعاد عشق توجه داشته است. اشتیاق، از دیگر ابعاد عشق است، چنان‌که مؤلفه‌هایی چون داشتن رابطه فیزیکی، پرستش معشوق، داشتن رابطه هوس‌انگیز، برانگیخته شدن عاشق از سوی معشوق و جذاب و ایده‌آل بودن معشوق، نشان‌دهنده این بعد از عشق هستند. در نمونه‌های زیر، عاشق به ویژگی‌های جسمانی زن توجه کرده است:

پس پا پنیر، سینت قلمکار چال ناف حوض کوثر، سینت ملک بغداد

(وهمن و آساتریان، ۱۹۹۵: ۳۵)

پشت پایت مانند پنیر، سنهات پارچه قلمکار است گودی ناف، حوض کوثر و

سینهات زمین بغداد است.

دوش پسین به سر او، دیدم تراله کد باریک، بالا بلند، بچه میار

(همان: ۳۶)

دیروز عصر، سرچشمه، خوش قامت را دیدم معشوق کمر باریک بلند بالا که بچه

نمی‌آورد

❖ ۹۸ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- duš pasin be sare aw, didom tarâle / kad bârik, bâlâ boland, baçe mayâre

عاشق از اشتیاق خود به داشتن رابطه هوس‌آلود با معشوق سخن می‌گوید و خواهان دیدن معشوق از نزدیک و داشتن رابطه گرم عاشقانه با اوست:

تو شمال سرحدی مو لیلۀ باد بیو که یک بینیم چی شیرین و فرهاد

(شفقی و دادرس، ۱۳۹۶: ۲۱۷)

تو باد شمال سرحد هستی من گرد و خاک باد بیا مانند شیرین و فرهاد همدیگر را

بینیم

- to šamâle sarhadi, mo lileye bâd / biyaw ke yak binim či širin o farhâd

معشوق برایش، به قدری جذاب و ایده‌آل است که برای رسیدن به او، حاضر است با دیگران بجنگد:

من اگن اله مراد، پیشتو هفت تیر هرکس که مهر ف برد، ورس بونم تیر

(وهمن و آساتریان، ۱۹۹۵: ۵۸)

مرا الله مراد می‌گویند دارای تفنگ هفت تیر هر کس مهرافروز را برد، به او تیر

خواهم انداخت

- mon egon alah morâd, pištawe hafttir / harkas ke mehrafe bord, wors

bevanom tir

مقایسه نگاه مرد عاشق با زن عاشق، نشان می‌دهد که هر چند زنان بختیاری در دوره قاجار، می‌توانستند عشق خود را اظهار کنند، با توجه به تابو دانستن مسائل جنسی، مردان اجازه داشتند بی‌پرده‌تر از این مسائل سخن بگویند و از زنان بیشتر انتظار می‌رفت که به بعد صمیمیت و حمایت عاطفی از مردان پردازند.

۳-۳. بازتاب نام زنان بختیاری در اشعار بازمانده از دوره قاجار

از دیگر اطلاعاتی که می‌توان از طریق اشعار به جا مانده از دوره قاجار، درباره زنان بختیاری به دست آورد، نام زنان و کارکرد اجتماعی آنهاست. با بررسی کارکردهای اجتماعی نام‌ها، می‌توان اطلاعات ارزشمندی درباره مسائل مختلف زندگی زنان، از جمله پایگاه اجتماعی، باورهای قومی و مذهبی آنان به دست آورد. «واژگان شواهدی

بررسی وضعیت اجتماعی و فرهنگی زن بختیاری در دوره قاجار ❖ ۹۹

از ارزش‌ها و باورهای یک جامعه ارائه می‌دهند و جزئیاتی را در مورد اصل و نسب، شغل، سنت، و پایگاه اجتماعی آشکار می‌کنند و از طریق نام فرد، می‌توان به اطلاعاتی در مورد مکان و زمان تولد، ایدئولوژی و باورهای ملی، مذهبی، یا قومی والدین فرد یا حاکم بر جامعه، جغرافیای نام‌های رایج در هر شهر یا منطقه یا کشور دست یافت» (زندلی و احمدی، ۱۳۹۵: ۱۰۹). در اشعار مورد بررسی ۲۴ نام زنانه دیده می‌شود؛ مانند ماه‌گلی، ماه‌به‌گل، مروارید، گلاب، ماهی، لیلیفر (نیلوفر)، مهری، ماه‌بس، مهرافروز، ماه‌پسند، پری‌جان، سلیناز (سروناز)، نازی، ابروجون، گلستان، سممبر (سمن‌بر)، ستاره، بی‌بی‌بیگم، زینب، فاطمه، فرهنگ و ماه‌سلطان. از نظر هویتی، اکثر نام‌های به کار رفته در اشعار مورد بررسی (۱۹ نام) ایرانی هستند و یک نام (بی‌بی‌بیگم) ترکی نیز در میانشان به چشم می‌خورد. ۳ نام (زینب، فاطمه و فرهنگ) ریشه در هویت مذهبی و زبان عربی دارند و یک نام (ماه‌سلطان) ترکیب فارسی و عربی است؛ به این ترتیب، بررسی نام‌ها نشان می‌دهد که نامگذاری زنان بختیاری در دوره قاجار، بیشتر متأثر از فرهنگ قومی و ایرانی بوده است.

همچنین با بررسی ریشه و محتوای آنها می‌توان از نگرش قوم بختیاری به زنان بیش از پیش آگاه شد. برخی از نام‌ها مانند مهری و مهرافروز، ریشه در عواطف و احساسات دارند؛ امری که نشان می‌دهد در فرهنگ بختیاری، زنان را بیشتر از مردان احساسی می‌دانند و با نگاه عاطفی به آنان می‌نگرند. برخی از نام‌ها با واژه «جان» ترکیب شده‌اند؛ همچون پری‌جان و ابروجان که، مبتنی بر نگاه مثبت به دختر در خانواده‌های بختیاری هستند. نام‌هایی مانند مروارید، نیز دلالت بر ارزشمند بودن دختران دارند. البته گفتنی است که در فرهنگ بختیاری، وقتی تعداد دختران خانواده به بیش از ۵ یا ۶ می‌رسید در حالی که هنوز فرزند پسری متولد نشده بود، در نام دختران از واژه «بس: کافی است» استفاده می‌کردند. نام ماه‌بس در این اشعار، اشاره به همین موضوع دارد. ریشه این نوع نگرش را باید در شیوه زیست مردم بختیاری جست‌وجو کرد: «مشکلات اقتصادی، سختی کار کوچ و تنهایی پدران، از علل پسرخواهی عشایر و روستاییان بوده و هست. همین مسئله در پیدایش نام‌های دهدربس (دختربس)، نخواسته، نمنده (نمانده)،

۱۰۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

گل بس، ماه بس، همی بس (همین بس)، گلی بس، طلا بس و خدابس، مؤثر است» (قنبری عدیوی، ۱۳۹۲: ۸۸).

اکثر نام‌های این قوم برگرفته از نام صور فلکی و طبیعت هستند؛ مانند ماه‌پسند، ماه سلطان، ماهی، ستاره، سلبناز، گلستان، ماه گلی و سممبر که زیبایی زنان را نشان می‌دهند و بیان‌کننده این هستند که در فرهنگ بختیاری، زیبایی را صفت مطلوب زنان می‌دانند و از طریق نام‌ها، این نگرش را بازتاب می‌دهند. وجود نام‌هایی که ریشه در باورهای مذهبی دارند؛ همچون فاطمه و زینب نیز با وجود تعداد اندک‌شان، نشان از گرایش‌های مذهبی مردم در این دوره دارند. نام‌هایی چون بی‌بی بیگم، جایگاه بالای اجتماعی زن را نمایان می‌کنند. چنان که گاه نیز در فرهنگ بختیاری، نام جایی را که کودک در آن متولد می‌شد، بر او می‌گذاشتند؛ مانند مکینه (آسیاب) در این اشعار.

۳-۴. بازتاب پوشش زنان بختیاری در اشعار بازمانده از دوره قاجار

در دوره قاجار زنان بختیاری، از پوشش‌های مختلفی استفاده می‌کردند؛ چنان‌که پیشوب در این باره می‌نویسد: «شلوارهایشان از یک نوع چیت کتان آبی‌نگ است که تهیگاه تا روی قوزک‌هایشان را می‌پوشاند و تمام دختران بالغ و زن‌ها، از نوعی روسری گلدار کتانی (مینا) که تمام سر و سینه و پشت شان‌هایشان را می‌پوشاند، استفاده می‌کنند» (پیشوب، ۱۳۷۵: ۷۰-۶۸). وست نیز گزارش می‌دهد؛ زنان بختیاری در گذشته، پوشاکی داشتند که امروز دیگر از آن استفاده نمی‌کنند: «شلوار گشاد، پیراهن سفید که تا کمر باز است. کت مخمل که با طلا گلدوزی شده، گلوبند آراسته به سکه‌های طلا که جرینگ جرینگ آن شنیده می‌شد» (وست، ۱۳۸۰: ۳۲). پوشش زنان تهیدست بختیاری در این دوره، عبارت از: پیراهن‌های کرباس سیر، دامن‌های بلند، کت آستردار، شلوار چیت کتان آبی‌رنگ، مینای (روسری) گلدار کتانی، سربندهای متعدد و کفش ساگری است. (کجباف و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۴)

از طریق اشعار عامیانه بختیاری مانند اشعار عاشقانه، اشعار مربوط به عروسی و اشعار سوگ، اطلاعات متفاوت‌تری نسبت به سفرنامه‌ها و دیگر منابع درباره پوشش زنان بختیاری می‌توان به دست آورد. در این اشعار، اغلب پوششی از زنان بازتاب داده

بررسی وضعیت اجتماعی و فرهنگی زن بختیاری در دوره قاجار ❖ ۱۰۱

شده است که زیبایی و منزلت اجتماعی آنان را نشان می‌دهد: «در اشعار عامیانه، آن نوع‌هایی از پوشاک زنان بختیاری بازتاب داده شده است که به گونه‌ای منزلت اجتماعی آنان را نشان می‌دهد؛ مانند سرپوش‌ها (کزینه، دستمال، کیش لاکیش و مینا)، تن‌پوش‌ها (پیراهن، کلیجه و نیم‌تنه) و پاپوش‌ها (شلوار قری، پاکش و کفش)» (ظاهری و کریمی، ۱۳۹۸: ۸۴). بر این اساس می‌توان از طریق اشعار بازمانده پی برد که در دوره قاجار، برای نشان دادن منزلت زنان، چه پوشش‌هایی مرسوم بوده و در مواقع مختلف، مانند زندگی عادی یا مراسم سور و سوگ، زنان از چه نوع لباسی استفاده می‌کردند.

در اشعار بازمانده از دوره قاجار، از میان سرپوش‌ها، به مینا، چارشو، کزینه، کیش لاکیش و سه‌لو، اشاره شده که در مواقع مختلف مانند سوگ، سور و زندگی عادی از آنها استفاده می‌شده است. در فرهنگ بختیاری، وقتی زنی فوت می‌کند، به توصیف پوشش او می‌پردازند تا از این طریق، هم جایگاه اجتماعی و هم حجب و حیاء را نشان دهند. مینا (بدون اشاره به رنگ آن)، چارشو، چادر، کزینه، نوعی دستمال توری مانند و روسری که آن را جلوی سر می‌انداختند، دستمال سیم‌ریز (نقره‌نشان) و کیش لاکیش، نوعی دستمال که بر پیشانی، قسمت فوقانی و پشت سر می‌بستند و به طور معمول، بر حاشیه‌های پشت سرش، گوی آویزان می‌شد، سرپوش‌های مهم زنان بختیاری هستند که در سوگینه‌های دوره قاجار به آنها اشاره شده است:

مون تلمیتس پوز ناهاد به گوراو ماشالا، نوم خدا، سی سر و چار شو

(وهمن و آساتریان، ۱۹۹۵: ۳۹)

اسب سواری‌اش دهان به گورآب گذاشت ماشالله به نام خدا، برای زیبایی سر با

چادرش

ماپسند ور مرگ م چر بی‌دماخی؟ فرشنام ور اصفاهون سی کیش لاکی

(شفقی و دادرس، ۱۳۹۶: ۲۴۶)

ماپسند به سبب مرگ من افسرده است فرستادم به اصفهان برای کیش لاکیش

- mune talmitis puz nâhâd be guraw / mâšâlâ nume xoâd, si sar o çâršaw

- mâpesand wor marge mo çer bidemâxi? / ferešnâm be esfâhn si kiše

lâki

از سرپوش‌های معشوق که نشان‌دهنده سرپوش همه زنان بختیاری در زندگی عادی است، بیشتر به مینا در رنگ‌های مختلف آن مانند آبی، بنفش یا دورنگ اشاره شده است. سه لو - روسری که سه تاب دور سر خورده باشد - از دیگر پوشش‌های سر معشوق و در واقع عامه زنان بختیاری دوره قاجار است. از چادر سفید نیز بیشتر دختران استفاده می‌کردند:

سر تل سیل از نم، گلم به هوشه
هموهو یار خمه میناس بنوشه
(وهمن و آساتریان، ۱۹۹۵: ۳۶)

روی تپه نگاه می‌کنم زیباروی من در حیاط است همان یارم من که مینایش بنفش است.

ار گرمات گرمه بیو به خدم گو
سه لومه دولو کنم سا ور سرت بو
(شفقی و دادرس، ۱۳۹۶: ۲۱۸)

اگر هوا خیلی گرم است بیا به خودم بگو روسری‌ام را باز می‌کنم تا سایه‌انداز بر سرت باشد.

- sare tol sayl izanom, galom be hawše / hamoho yare xome maynâs benawše

- ar garmât garme, biyaw be xodom go / selume dulâ konom, sâ wor saret bu

در توصیف سرپوش عروس اشاره شده است که علاوه بر مینا، باید از تزئینات دیگری نیز در کنار آن استفاده می‌شد تا موجب نگرانی عروس نشود:

امشو ایا چارده شو داک دهدر تزکه
خانم عروس اگریوه سر میناس تنکه
(همان: ۲۹۱)

امشب، چهارده شب که مادر دختر ناراحت است خانم عروس گریه می‌کند که سر و مینایش تنک است.

- amšaw eyâ cârdah šawe dâke dohdar tozok / xânom arus egerive sare maynâs tonoke

بررسی وضعیت اجتماعی و فرهنگی زن بختیاری در دوره قاجار ❖ ۱۰۳

تن پوش های زنانه بازتاب یافته در این اشعار عبارت‌اند از: جوه (پیراهن)، نیم‌تنه مخمل^۱ و کلجه^۲ - نیم‌تنه آستین‌دار دارای دکمه و یقه باز - در توصیف پوشش زن عزادار گفته‌اند که پیراهنش خماری و نیم‌تنه‌اش از جنس مخمل بوده است:

ستاره شولار خصو جوه خماری همدمی چی داروخون ز کیه یاری
(همان: ۲۶۸)

ستاره شلوار قصب پیراهن خماری همدمی مانند داراب خان، از کجا می‌آوری؟
 - setâre šawlâr xasaw, jeve xomâri / homdami či dârawxun ze koye yâri
 اما در توصیف لباس عروس و افرادی که در عروسی شرکت داشته‌اند، به رنگ سرخ، سبز یا سفید پیراهن و جنس آن، کتان توجه شده است. عروس نیز کلجه، می‌پوشیده است:

اویدیم که زن برییم جومون سوس و کتون

زن بدین مون نه میارین الص ایما بالا ختون
(همان: ۲۷۶)

آمده‌ایم که زن برییم پیراهن مان سبز و کتان است زن به ما بدهید نه نگوئید. نسب ما بالاتر از شماست.

سیت خریدم سیت خریدم کلجه مثال تش چی طلا برج ازنه در بغل گیوه کش
(همان: ۲۹۳)

برایت کلجه مانند آتش خریدم مانند طلا برق می‌زند در بغل فرد گیوه کش
 - ovaydim ke zan barim jowamun saws o katun / zan bedinmun, na
 nayârin als imâ bâlâ xotun

- sit xaridom, sit xaridom, koleje mesâle taš / či telâ berč izane dar kenâr
 give kaš

اما پیراهن معشوق به رنگ سفید، از جنس کتان و در اندازه کوتاه پذیرفتنی بوده است:

۱. نیم‌تنه: پیراهن یقه برگردان با آستین ساده شمشیری از جنس مخمل، ترمه و کشمیر. (ابادری و طبیبی، ۱۳۹۵: ۲۹)
 ۲. در توضیح کلیچه‌های دوره قاجار نوشته شده است: کت جلوبازی بود که قد بلند و پهن داشت. با دکمه جواهر نشان بسته و بیشتر در فصل زمستان از آن استفاده می‌شد. (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۹۳)

۱۰۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

آه دلم، رو بگیر گفت چرینه جوه اسپید، پاکش به پا، قوا زرینه
(وهمن و آساتریان، ۱۹۹۵: ۳۵)

آه دل من کوه چری را بگیرد پیراهن سفید پاکش به پا، قبا زری
خم ملا، یارم هیاط دو کسم شاهی جومت کوتا برم شولار ختائی
(شفقی و دادرس، ۱۳۹۶: ۲۶۹)

خودم ملا، یارم خیاط دو شغل شاهی پیراهنت کوتاه می برم شلوار ختایی
- âhe delom, raw beger kefte čarine / jove esped, pâkaš be pâ, qawâ zarine
- xom molâ yârom hayât, do kasma šâhi / jomate kutâ borom, šawlâr
xatâei

شلوار و پاکش نیز از پاپوش‌های زنانه بازتاب یافته در این اشعار هستند. شلوار ختائی از جنس قصب، منزلت زن را نشان می‌دهد. البته معشوق از چند شلوار (قر) روی هم استفاده می‌کرده است که چین و تاب فراوان داشته؛ در زیر شلوار قری هم پاکش می‌پوشیده است:

شلوارات چی آسی یو هی ای خورن کر همه کس م تونی، کدشل و تی پر
(وهمن و آساتریان، ۱۹۹۵: ۳۵)

شلوارهایت مانند آسیاب تاب می‌خورند عزیز من تو هستی کمر کشیده چشم بزرگ
- šawlârt či asiyaw hay ixoren ker / hame kase mo toni, kadšole ti per

۳-۵. بازتاب زیورآلات زنان بختیاری در اشعار بازمانده از دوره قاجار

سبک آرایش و نوع زیورآلات زنان بختیاری در دوره قاجار عبارت بود از: خال‌هایی به شکل ستاره که روی چانه‌ها و در وسط پیشانی گذاشته می‌شد، خالکوبی پشت دست‌ها و ابروها، حنا گذاشتن انگشتان، ناخن‌ها و کف دست‌ها و حنا و وسمه گذاشتن موها (بیشوب، ۱۳۷۵: ۷۳). همچنین زنان گونه‌ها را با خال سیاه تزئین و برای آرایش چشم، از کحل استفاده می‌کردند. النگو، دست‌بند، بازوبند و گردن‌بند طلا و نقره، زیورآلاتی بودند که زنان به دور گردن و دست و بازوی خود آویزان می‌کردند (لاپارد، ۱۳۶۷: ۹۹-۱۰۰).

بررسی وضعیت اجتماعی و فرهنگی زن بختیاری در دوره قاجار ❖ ۱۰۵

در اشعار عامیانه مورد بررسی که سرایندگان آنها از جامعه بختیاری برخاسته‌اند و بیشتر با زیورآلات و سبک آرایشی زنان بختیاری آشنایی دارند، به طور معمول، به زیورآلات و سبک آرایشی اشاره شده است که در فرهنگ بختیاری و به خصوص از دید یک مرد بختیاری، مطلوبیت دارد. در این اشعار، بیشتر به زیورآلات و آرایش پا پرداخته شده است؛ اینکه زنان اغلب خال سبزرنگی روی ساق پا نقش می‌زدند، حلکن (حلقه) زردرنگ بر ساق پا می‌آویختند و از پیچک پا نیز استفاده می‌کردند. زیورآلات سر و گردن عبارت از گُل سر، گِرِدِرِی^۱ و بندسوزن (بند سوزن) بود. عمبر را هم برای خوشبویی، به گردن، و بر گوش، گوشواره‌های از جنس دُر می‌آویختند. برای تزئین بینی، خالک از جنس طلا یا نقره کاربرد داشت و علاوه بر گذاشتن حنا بر دست، از انگشتر و دست‌بندهای قیمتی دارای مروارید برای آراستن دست استفاده می‌کردند:

ورکشید شولار جست ور او برد، ور ای برد تک اسپید، خال سوز وا حلکن زرد
(وهمن و آساتریان، ۱۹۹۵: ۳۸)

شلووار را بالا زد و از روی سنگ‌های درون رودخانه پرید ساقش سفید، خالش سبز
و حلقه‌اش زرد بود

گردریت کپه کپه و سیزنات چل ارشفی میرته دولت گره‌د و چند تری جفا کشی
(شفقی و دادرس، ۱۳۹۶: ۲۸۲)

گردری تو بسیار پر و بندسوزنت دارای چهل طلاست شوهرت را دولت دستگیر
کرد. چقدری می‌توانی ستم بینی

- workešid šawlâr jest wer u bard wor i bard / teke esped, xâle sawz wâ

halkane zard

- gerderit kope kope wo sizenât čel aršofi / mirate dawlat gered čand tari

jafâ kaši

۱. گردری ابزاری است: تشکیل شده از تعداد بسیار زیادی سکه از جنس نقره یا طلا که آن را در پشت سر، دور سر و زیر چانه با سوزن‌های مخصوص قرار می‌دهند. این ابزار تزئینی مخصوص زنان ثروتمند است و به طور معمول، برای اشاره به منزلت اجتماعی یا تظاهر به داشتن چنین جایگاهی، آن را از زیورآلات عروس می‌دانند. (ظاهری عبدوند و کریمی نورالدین‌وند، ۱۳۹۹: ۷۸)

۳-۶. بازتاب کارها و هنرهای زنان بختیاری در اشعار بازمانده از دوره قاجار

موضوع تفکیک جنسیتی در زمینه مشاغل، در اکثر فرهنگ‌ها وجود دارد؛ به این معنا که مردان و زنان به شغل‌هایی می‌پردازند که بر اساس برداشت‌های رایج در فرهنگ، مناسب آنان دانسته شده است. در فرهنگ بختیاری نیز برخی از کارها، بویژه کارهای خانه، بر عهده زنان است. در برخی از سفرنامه‌های نوشته شده در مورد فرهنگ بختیاری در این باره، اطلاعاتی ارائه شده است؛ اینکه زنان چگونه غذا می‌پختند و بیشتر از چه نوع غذاهایی استفاده می‌کردند: «بختیاری‌ها معمولا شب‌ها کنار شعله‌های آتشی که با قطعات چوب روشن کرده‌اند، می‌نشینند و به صرف غذا که بیشتر با گوشت و سبزیجات مختلف تهیه شده، می‌پردازند» (بیشوب، ۱۳۷۵: ۶۸). بافندگی، کاری زنانه و درآمد قالی‌بافی به طور معمول در اختیار بی‌بی‌ها بود (مکین روز، ۱۳۷۳: ۱۰۰). شیوه قالی‌بافی بدین گونه بود که زنان «از روی یک نقش و رنگ یک قالی کهنه بافندگی می‌کردند که از همه قالی‌هایی که در هر جای دیگر ایران دیده بودم، زیباتر بود؛ مانند یک غزال همه چیز درون خود داشت. از نقش و رنگ هیچ کم نداشت. زن‌ها آن را از جایش درآورده، بیرون کارگاه در برابر ما گسترده‌اند. آن‌گاه بود که آن کار هنری - برون از کارگاه ناچیز - با یکپارچگی و یکتایی‌اش، چشمان ما را خیره کرد» (وست، ۱۳۸۰: ۳۳). زنان به کار کشاورزی نیز می‌پرداختند: «علاقه زیادی از طرف زن‌ها به امور کشاورزی و اصلاح بذر ابراز می‌شود» (مکین روز، ۱۳۷۳: ۱۰۰). و آوردن آب، هیزم‌شکنی، ریسندگی و شیردوشی، از دیگر کارهای آنان در این دوره است. (دوبد، ۱۳۷۱: ۳۲۵)

در اشعار مورد بررسی، درباره کارهای زنان، در مقایسه با سفرنامه‌ها، اطلاعات دیگری نیز می‌توان به دست آورد. یکی اینکه، برخلاف بسیاری از فرهنگ‌های مردسالار که کارهای زنانه منفی محسوب می‌شوند، در فرهنگ بختیاری، به کارهای زنانه با دیدی مثبت و به عنوان هنر نگریده می‌شود. در واقع زنان بختیاری، با انجام درست این کارها، برای خود منزلت اجتماعی کسب می‌کنند. دیگر اینکه، بر اساس این اشعار، می‌توان پی برد کدام‌یک از کارهای زنانه، مهم‌تر و با ارزش‌تر بوده است؛ چنان‌که بسامد زیاد اشاره به هنر بافندگی و ریسندگی، نشان‌دهنده این است که انواع بافندگی و ریسندگی مانند بافتن

۱۰۷ ❖ بررسی وضعیت اجتماعی و فرهنگی زن بختیاری در دوره قاجار

کی - روانداز وسایل خانه - ، قالی، خورجین و وریس، از دیگر کارهای زنان بختیاری در دوره قاجار مهم‌تر و ارزشمندتر بوده است. دلیل این امر را در کاربرد وسایل یادشده می‌توان یافت؛ اینکه هم نقش تزئین خانه را داشتند و منزلت اجتماعی خانواده را نشان می‌دادند و هم از آنجا که زندگی بختیاری‌ها به صورت کوچ‌نشینی و دامداری بود، برای حمل و ذخیره اسباب مورد نیاز، به آنها احتیاج پیدا می‌کردند.

پری جون کرکیت طلا دندون برنجی لینه بفت خالی نه بفت ره سر هرچی
(شفقی و دادرس، ۱۳۹۶: ۲۷۹)

پری جان، کرکیت طلا دندان برنجی لی و قالی را بافت و به سراغ بافتن خورجین رفت.

- parijun karkit telâ dendun berenji / layne baft, xâline baft, rah sare horji
بعد از هنر بافندگی، به مسئله پختن غذا نیز توجه زیادی شده است. در فرهنگ بختیاری، برگزاری مهمانی، جایگاه اجتماعی خانواده را نشان می‌دهد و زنان نقش مهمی در این امر دارند؛ به گونه‌ای که با ترتیب دادن یک مهمانی خوب، حتی لقب‌های مهم و برازنده مردان به آنان داده می‌شود. از این رو، در این اشعار مورد بررسی، موضوع پختن غذا و نان بسامد فراوانی دارد:

ای ددو، برنج بکو و بیز آش نه، بووت مهمونته، وا صد قزلباش
(وهمن و آساتریان، ۱۹۹۵: ۷۳)

ای خواهرم برنج‌ها را بکوب و آش بیز پدرت با صد قزلباش مهمانت هستند.
- ay dadu berenj beku wo bepaz âš / na bawut mehmunete wâ sad qezelbâš

۳-۷. بازتاب ازدواج و مسائل خانواده در اشعار بازمانده از دوره قاجار

مباحث مربوط به ازدواج که، از مهم‌ترین مسائل خانواده هستند، در این اشعار بازتاب یافته‌اند؛ به طور معمول، دغدغه خانواده‌ها این بوده است که دخترانشان هر چه زودتر ازدواج کنند:

هی، دهذرم شپسه نکرد من به سرم بوو دهذرتاج سرم هالو دهذرتاج قسم خرم
(وهمن و آساتریان، ۱۹۹۵: ۶۵)

۱۰۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

هی دخترم شوهر نکرد، در خانه ماند پدر دختر تاج سر من است و به اسم دایی اش، قسم می خورم.

- hay dohdarom, šise nakerd mand be sarom / bawu dohdr tâje sarom, hâlu dohdr qasamxarom

بنابراین دختران در سنین پایین ازدواج می کردند؛ چنان که لایارد در این زمینه می نویسد؛ بختیاری ها مانند سایر مردم مشرق زمین، در سن پایین نامزد می کنند و ازدواج به زمانی که پسرها به چهارده یا پانزده سالگی و دخترها به حدود دوازده سالگی می رسند، موکول می شود (لایارد، ۱۳۶۷: ۲۶۹). البته آن گونه که از این اشعار فهمیده می شود، دختران از ازدواج در سن پایین بسیار ناراحت بودند:

بی بی زینف، ایگریوه کوچیرم شی نیکنم

حجلمه ز نو بوندین، خان اوید، چو ورس کنم

(وهمن و آساتریان، ۱۹۹۵: ۵۹)

بی بی زینب گریه می کند کوچکم، شوهر نمی کنم حجله ام را دوباره ببندید. خان آمد، چاره ای ندارم.

- bibi zaynaf igerive, kočïrom ši nikonom / hejlome ze nu bevandin, xân evayd wâ ču wors konom?

معیار مهم در ازدواج، داشتن اصالت و منزلت اجتماعی خانواده ها بوده است:

اویدیم که زن بریم جومون سوس و کتون

زن بدین مون نه میارین الص ایما بالا ختون

(شفقی و دادرس، ۱۳۹۶: ۲۷۶)

آمده ایم که زن ببریم پیراهن مان سبز و کتان است زن به ما بدهید نه نگویید. نسب ما بالاتر از شماست

- ovaydim ke zan barim jowamun saws o katun / zan bedinmun, na mayârin als imâ bâlâ xotun

از نظر نوع ازدواج نیز ازدواج های برون همسری رواج داشته است:

دوری دوری، رهنه داد به مژمه ها تو بفرما، مو بیارم زن خو ز طافه ها

(وهمن و آساتریان، ۱۹۹۵: ۵۹)

بررسی وضعیت اجتماعی و فرهنگی زن بختیاری در دوره قاجار ❖ ۱۰۹

بشقاب بشقاب، راه به سینی بزرگ داد تو بفرما تا من زن خوب از طایفه‌ها بیاورم

- dawri dawri, rohne dâd be mažmehâ / to befarmâ, mo biyârom zane
xow ze tâfehâ

البته ازدواج‌های برون همسری مورد رضایت خود دختران نبوده؛ چون سبب می‌شده است که بین آنان و خانواده‌هایشان فاصله جغرافیایی بیفتد:

موز از او خاری همساک بووس دسدس ور کار خسه دلس وا گگوس
(شفقی و دادرس، ۱۳۹۶: ۲۸۳)

خوشا به حال آن خواهری که همسایه پدرش است به کار خودش می‌پردازد و دلش پیش برادرش است

- mo ze ez xâri homsâke bawuse / dasdes wor kâre xose, deles wâ gaguse
به این ترتیب، زنان بیشتر مایل به ازدواج‌های درون‌همسری بوده‌اند تا همواره نزد خانواده خود بمانند:

ای شلال جون دلم هیکل باهی ز خدا امری نوی شی تاته زائی
(همان: ۲۷۰)

ای شلال جان دلم. دارای هیکل و بازوی زیبا ازدواج بین عموزاده‌ها، امری از جانب خداوند است.

- ay šelâl, june delom, haykale bâhi / ze xodâ amri navi, ši tâte zâei

پس از رضایت دادن به ازدواج، از داماد شیربها می‌گرفتند:
سر کد آقا کریم خنجر مسته طلا کشیدس آقا چویلی، دادسه جا شیربها
(وهمن و آساتریان، ۱۹۹۵: ۵۹)

روی کمر آقا کریم خنجر دارای دسته طلاست آقا چویلی آن را برای شیربها از او گرفت.

- sare kade âqâ dumâd xanjar moste telâ / kašides âqâ čavili, dâdese jâ
širbehâ

و لازم بود که نظر مادر عروس را در گرفتن شیربها جلب می‌کنند:
امشو ایا چارده شو داک دهدر به غمه چک چک خرس اچگونه شیربها رودم کمه
(شفقی و دادرس، ۱۳۹۶: ۲۹۱)

۱۱۰. فصلنامه فرهنگ مردم ایران

امشب چهارده شب که مادر دختر غمگین است قطره قطره اشک می‌ریزد شیربهای عزیزم کم است.

- amšawve čârda šawve, dâke dohdar be qame / čekčeke xars ečakune,

šîrbâhi rudom kame

در مجلس عروسی، به عروس، هدایای ارزشمندی مانند گو، ذر، مروارید و طلا می‌دادند:

اشنیدم آ کر معلی زرگر شاهی نشوند سر دست زینه گگوس در مرواری نشوند
(وهمن و آساتریان، ۱۹۹۵: ۵۹)

شنیدم آ کر معلی زرگر شاهی را نشانند سر دست زن برادرش را مروارید نشانند.

- šanidom â kermali zargare šâhi nešund / sare daste zine gagus dore

mervâri nešund

پس از تشکیل خانواده، مهم‌ترین وظیفه زن، فرزندآوری بود؛ زیرا فرزند، عزیز مادر و نیرودهنده پدر بود و برای خویشان، پشت گرمی محسوب می‌شد:

رود شیرینم تو عزیز داتی قوت بووت پشت تاته‌زاتی

(شفقی و دادرس، ۱۳۹۶: ۲۹۷)

عزیز شیرینم تو عزیز مادرت هستی به پدرت نیرو می‌دهی و پشتیبان عموزاده‌هایت هستی.

- rude šerinom to azize dâti / qowate bawut, pošte tâtezâti

۴. جمع‌بندی

نتایج بررسی تصویر زنان بختیاری در اشعار بازمانده از دوره قاجار نشان می‌دهد که در این دوره، زنان در عرصه عشق‌ورزی، هم در جایگاه عاشق ایفای نقش می‌کردند و هم در جایگاه معشوق. در جایگاه عاشق بیشتر به حمایت عاطفی از معشوق می‌پرداختند و بعد صمیمیت، از ابعاد عشق، بر روابط عاطفی شان غلبه داشت؛ در حالی که در جایگاه معشوق، بیشتر از شور و اشتیاق مرد به آنان سخن گفته می‌شد و

بررسی وضعیت اجتماعی و فرهنگی زن بختیاری در دوره قاجار ❖ ۱۱۱

مردان به بعد اشتیاق در روابط عاشقانه توجه داشتند. این امر نشان می‌دهد که در این زمینه، انتظارات از زنان با مردان متفاوت بود و اساساً در عشق‌ورزی، زنان باید بیشتر از مردان حجب و حیا را رعایت می‌کردند.

زنان بختیاری برای بیان هیجان اندوه، بویژه در سوگواری‌ها، شیوه‌های مختلفی داشتند؛ برای مثال، رقص چوبی، بریدن موی سر از بناگوش، بستن روسری سیاه بر پیشانی و انداختن روسری بر گردن.

نام‌های به کار رفته برای زنان این دوره، از نظر ریشه، برگرفته از هویت قومی و ایرانی و انتخاب شده از نام عناصر طبیعت و صور فلکی بود. بررسی محتوایی و کارکرد اجتماعی این نام‌ها نشان می‌دهد که نگرش به دختران و زنان مثبت بوده و به آنان با دیدی احساسی نگاه می‌شده است. همچنین انتظار می‌رفته که زنان زیبا باشند.

در این اشعار به انواع مختلف پوشش و زیورآلات زنان نیز اشاره شده است؛ پوششی که در قوم بختیاری برای زنان مطلوب دانسته می‌شد و زیبایی و جذابیت آنان را در موقعیت‌های مختلف نشان می‌داد. بیشتر سرپوش‌های مطلوب این دوره عبارت بودند از: مینا، چارشو، کزینه و کیش‌لاکیش. جوه (پیراهن) کتان و مخمل، نیم‌تنه مخمل و کلبچه، تن‌پوش‌هایی بودند که به عنوان مد در میان زنان رواج داشت. شلوار قری ختایی از جنس قصب و پاکش یا پاپوش‌های زنان از دیگر موارد بازتاب یافته در این اشعار هستند. به طور معمول، زنان برای زیبایی چند شلوار قری را روی هم می‌پوشیدند. همچنین از زیورآلات مختلفی استفاده می‌کردند که عبارت بودند از: پیچک و حلکن (حلقه) زردرنگ بر ساق پا، گل سر، گردری و بند سوزن برای آراستن سر، عمبر برای خوشبویی گردن، گوشواره‌های از جنس دُر در گوش، خالک از جنس طلا یا نقره برای تزئین بینی و انگشتر و دستبندهای قیمتی دارای مروارید برای آراستن دست.

زنان بختیاری کارهای مختلفی را در خانه و بیرون از خانه انجام می‌دادند؛ مانند بافتن قالی، خورجین و ریس، پختن نان و غذا. نکته مهم قابل توجه این است که در فرهنگ بختیاری، نگرشی مثبت به کارهای زنانه وجود داشت و به بسیاری از آنها، مانند کارهای بافندگی و ریسندگی، به عنوان هنر نگریده می‌شد؛ این بافتنی‌ها علاوه بر نقشی که در زندگی روزمره داشتند، نشان‌دهنده منزلت اجتماعی یک خانواده نیز بودند.

دختران بختیاری در سنین پایین ازدواج می‌کردند و این، اغلب مطابق میل آنان نبود، در ازدواج به معیار اصالت بسیار توجه می‌شد و ازدواج برون‌همسری امری مرسوم بود؛ اما از آنجا که این نوع ازدواج‌ها سبب می‌شد بین دختر با خانواده خودش فاصله جغرافیایی ایجاد شود، مورد پسند دختران نبود. هنگام ازدواج، به دختر هدایای گرانبهایی می‌دادند و مهم‌ترین وظیفه زن را بعد از تشکیل خانواده، فرزندآوری می‌دانستند.

منابع

- آرمسترانگ، جان (۱۳۹۳). *شرایط عشق؛ فلسفه صمیمیت*. ترجمه مسعود علیا. تهران: هنوز.
- ابادزی، مانا؛ طیبی، حبیب‌الله (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی پوشاک بانوان قاجار قبل و بعد از سفر ناصرالدین شاه به فرنگ (مطالعه موردی: لباس سنتی و لباس تجدد بانوان)»، *پژوهش هنر*، سال ۷، شماره ۱۳، صص ۳۰ - ۱۵.
- بیشوب، ایزابلا (۱۳۷۵). *از بیستون تا زردکوه بختیاری*. ترجمه مهراب امیری. تهران: آنزان.
- دوبد، بارون (۱۳۷۱). *سفرنامه لرستان و خوزستان*. ترجمه محمدحسین آریا. تهران: علمی فرهنگی.
- راولینسون، سر هنری (۱۳۶۲). *سفرنامه راولینسون (گذر از زهاب به خوزستان)*. ترجمه سکند امان‌الهی بهاروند. تهران: آگاه.
- ربانی‌زاده، محمدرحیم؛ زندیه، حسن؛ خورج، مرضیه (۱۳۹۴). «بازتاب زندگی اجتماعی و فرهنگی زنان ایل بختیاری بر اساس آثار سفرنامه‌نویسان خارجی دوره قاجاریه». *پژوهشنامه زنان*، سال ششم، شماره سوم، صص ۸۰ - ۶۳.
- رضایی، حمید؛ ظاهری‌عبدوند، ابراهیم (۱۳۹۲). «تصویر زن در قصه‌های عامیانه فرهنگ بختیاری». *نشریه زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۵، شماره ۲، صص ۲۶۰-۲۳۹.
- _____ (۱۳۹۴). «تأثیر جنسیت بر اشعار عامیانه بختیاری»، *فرهنگ و ادبیات عامه*، سال ۳، شماره ۷، صص ۷۱-۴۳.

بررسی وضعیت اجتماعی و فرهنگی زن بختیاری در دوره قاجار ❖ ۱۱۳

- زندگی، امین (۲۰۲۰). [آزمون عشق استرنبرگ](https://mantegh.me). <https://mantegh.me>.
- زندگی، بهمن؛ احمدی، بهزاد (۱۳۹۵). «نام‌شناسی اجتماعی شناختی؛ حوزه نوین مطالعات میان‌رشته‌ای». **فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی**. دوره نهم، شماره ۱، صص ۹-۱۲۷.
- شفقی، مریم؛ دادرس، مهدی (۱۳۹۶). **موادی برای مطالعه گویش بختیاری**. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- ظاهری عبده‌وند، ابراهیم؛ کریمی نورالدین‌وند، روح‌الله (۱۳۹۸). «تصاویر و توصیف‌های پیکر معشوق در اشعار عامیانه بختیاری»، **فرهنگ و ادبیات عامه**، سال ۷، شماره ۲۶، صص ۱۲۸ - ۱۰۱.
- _____ (۱۳۹۹). «بررسی بازتاب منزلت اجتماعی زنان بختیاری از طریق پوشاک در اشعار محلی». **ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین**، سال ۶، شماره ۱، صص ۸۷ - ۶۵.
- عکاشه، اسکندرخوا (۱۳۶۵). **تاریخ ایل بختیاری**. تهران: فرهنگسرا.
- غیبی، مهرآسا (۱۳۸۵). **هشت هزارسال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی**. تهران: هیرمند.
- قادری، الیاس؛ قنبری عدیوی، عباس؛ عبدالهی، مجتبی (۱۳۹۸). «نقش و جایگاه زنان در ترانه‌های بختیاری». **ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین**، سال پنجم، شماره دوم، صص ۸۳ - ۶۷.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۹۲). «تأثیر مذهب بر نامگذاری مردم چهارمحال و بختیاری». **فرهنگ و ادبیات عامه**، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۰۷ - ۸۳.
- کجباف، علی‌اکبر؛ الهیاری، فریدون؛ بختیاری، سمیه (۱۳۹۲). «نقش و جایگاه زن در ایل بختیاری در دوره قاجار از دیدگاه سیاحان اروپایی (۱۲۱۰ تا ۱۳۴۴ق/۱۷۹۶ تا ۱۹۲۵م)». **پژوهش‌های تاریخی**، سال ۴۹، شماره چهارم، ۵۳ - ۳۹.
- کلاینبرگ، اتو (۱۳۸۶). **روان‌شناسی اجتماعی**. ترجمه علی محمد کاردان. تهران: علمی و فرهنگی.
- لایارد، سر اوستن هنری؛ استاک، بیشوب؛ لینچ، ویلسون (۱۳۷۱). **سیری در قلمرو بختیاری و عشایر بومی خوزستان**. ترجمه مهرباب امیری. تهران: فرهنگسرا.

❖ ۱۱۴ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

فرهنگ
مردم
ایران

شماره ۶ زمستان ۱۳۹۹

- لایارد، سر اوستن هنری (۱۳۶۷). سفرنامه لایارد: ماجراهای اولیه در ایران. ترجمه مهراب امیری، تهران: وحید.
- مکین روز، الیزابت (۱۳۷۳). با من به سرزمین بختیاری بیاید. ترجمه مهراب امیری. تهران: آزان.
- نامورمطلق، بهمن (۱۳۹۷). اسطوره کاوی عشق در فرهنگ ایرانی. تهران: سخن.
- وست، ویتاسکوویل (۱۳۸۰). دوازده روز در کوهساران بختیاری جنوب غربی آسیا. ترجمه مهران توکلی. تهران: نی.
- Lorimer, D.L.R. (1954) The popular verse of the bakhtiari of s.w.persy-i. bulletin of the scoole of oriental and African studies, universitu of London. vo no.3, pp542-555.
- Sternberg, Robert j (1986). Atriangular theory of love. Psychological Review 93 (2): 119-135.
- Vahman ,fereydun, Asatrian, Garnik (1995). Poetry of the Baxtiārīs: Love Poems, Wedding Songs, Lullabies, Laments, Denmark: munksgaard eport and subscription service.